



بررسی علل تعارض قوانین ملی در ازدواج و طلاق و ارائه راهکارهای رفع آن

سید محمدهادی رضوی خانکهدانی^۱

۱. دانش پژوه سطح ۴، حوزه علمیه، و دانش پژوه مقطع دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم (نویسنده مسئول).

رایانامه: smhadi.razavi۱۳۷۵@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

کلیدواژگان: تعارض قوانین،

قانون ملی، ازدواج، طلاق، حل

تعارض.

در حقوق بین الملل خصوصی کشورها، درباره احوال شخصیه افراد، دو رویکرد متفاوت وجود دارد. برخی کشورها بر این اصل تأکید دارند که احوال شخصیه افراد باید بر اساس قانون کشور متبوع آنان تعیین شود، در حالی که در برخی دیگر از کشورها، قانون اقامتگاه فرد بر احوال شخصیه اعمال می شود. مسأله تعارض چند قانون ملی در کشورهایی مطرح می شود که احوال شخصیه را تابع قانون ملی یا قانون کشور متبوع فرد می دانند. همچنین، موضوع تعارض تابعیت ها که پیش از حل تعارض میان قوانین ملی نیاز به بررسی دارد، در دادگاه های این دسته از کشورها مطرح می شود. علاوه بر این، اثر تابعیت در ازدواج و تأثیر ازدواج بر تابعیت، در کشورهایی مورد توجه قرار می گیرد که احوال شخصیه افراد را به قانون کشور متبوعشان وابسته می دانند. حقوق موضوعه ایران نیز احوال شخصیه افراد را تابع قانون کشور متبوع آنان می داند. در این مقاله که تحت عنوان «بررسی علل تعارض قوانین ملی در ازدواج و طلاق و ارائه راهکارهای رفع آن» به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای تهیه شده است، به بررسی دلایل ایجاد تعارض میان چند قانون ملی پرداخته شده و راهکارهایی برای حل این تعارض ها ارائه گردیده است.

مقدمه

در حقوق بین الملل خصوصی کشورها، درباره احوال شخصیه، دو رویکرد متفاوت وجود دارد. در بعضی نظام های حقوقی، اصلی پذیرفته شده است که بر مبنای آن احوال شخصیه افراد بر اساس قانون کشور تابعیت آنها تعیین می گردد. به عنوان مثال، مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایران و ماده ۳ قانون مدنی فرانسه این قاعده را تصدیق می کنند. در مقابل، در کشورهایی که تحت نظام حقوقی انگلیسی-آمریکایی قرار دارند، قانون اقامتگاه برای احوال شخصیه افراد اعمال می شود.

بدون بررسی دلایل ترجیح یکی از این دو قاعده، می توان گفت در صورت پذیرش قاعده اعمال قانون اقامتگاه، تعارض قوانین ملی در خصوص احوال شخصیه مطرح نمی شود؛ زیرا در روابط شخصی و خانوادگی، حتی اگر طرفین (مانند زن و شوهر یا والدین و فرزندان) دارای تابعیت های متفاوت باشند، مراجعه به قانون اقامتگاه مسئله را مشخص می کند؛ اما در صورت پذیرش قاعده اعمال قانون ملی، این پرسش پیش می آید که در صورت اختلاف تابعیت، کدام قانون ملی باید اعمال شود؟

پس، تعارض میان چند قانون ملی در دادگاه هایی مطرح می شود که احوال شخصیه افراد را تابع قانون ملی می دانند. همچنین، تعارض تابعیت ها که حل آن مقدم بر تعارض میان قوانین ملی است، در چنین دادگاه هایی بررسی می شود؛ اما در نظام حقوقی انگلیسی-آمریکایی، دادگاه ها ابتدا مصادیق احوال شخصیه را شناسایی می کنند و در صورتی که موضوع در دسته احوال شخصیه قرار گیرد، قانون اقامتگاه را اعمال می کنند. بنابراین، دادگاه های کشورهای وابسته به نظام حقوقی انگلیسی-آمریکایی در موضوعات مربوط به احوال شخصیه، با تعارض تابعیت ها مانند تابعیت مضاعف یا بی تابعیتی و همچنین تعارض قوانین ملی مواجه نمی شوند.

با توجه به اینکه ایران از جمله کشورهایی است که احوال شخصیه افراد را تابع قانون کشور متبوع آنها می داند، لازم است ابتدا علل ایجاد تعارض میان چند قانون ملی بررسی شود و سپس راه حل های رفع این تعارضات مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد.

۱. علل تعارض قوانین ملی

تعارض میان چند قانون ملی، گاهی ناشی از وجود تابعیت مضاعف است. گاهی نیز، تغییر تابعیت یکی از اعضای خانواده منجر به از بین رفتن وحدت تابعیت در خانواده می شود. همچنین، اعمال تابعیت سرزمینی ممکن است این تعارض را ایجاد کند؛ مانند زمانی که کودکی در خارج از کشور دارای تابعیت والدین به دنیا می آید. از دیگر موارد، ازدواج مختلط می باشد که در نهایت، زن و مرد با تابعیت های مختلف، پس از ازدواج هم تابعیت های خود را حفظ می کنند و خانواده ای با تابعیت های گوناگون تشکیل می دهند.

۱-۱. تابعیت مضاعف

تابعیت مضاعف ممکن است در زمان تولد یا پس از آن به وجود آید. تابعیت مضاعف اصلی یا در زمان تولد، نتیجه تعارض میان تابعیت نسبی (سیستم خون) و تابعیت سرزمینی (سیستم خاک) یا تعارض میان دو تابعیت نسبی است. از سوی دیگر، تابعیت مضاعف اکتسابی، ناشی از تحصیل تابعیت جدید در عین حفظ تابعیت پیشین، ازدواج مختلط، یا تغییر تابعیت پدر یا شوهر می باشد.

الف: تابعیت مضاعف اصلی

تعارض تابعیت نسبی ایرانی با تابعیت سرزمینی خارجی

به‌عنوان مثال، اگر فرزندی از والدینی ایرانی که محل اقامتشان کانادا هست، به دنیا بیاید، بر اساس قانون کانادا که اصل تابعیت سرزمینی را اجرا می‌کند، تابعیت کانادایی خواهد داشت. در مقابل، طبق قانون ایران که اصل تابعیت نسبی را اعمال می‌کند (بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی)، این فرزند ایرانی به حساب می‌آید. لذا، اینچنین فرزندی دارای تابعیت مضاعف می‌باشد.

تعارض تابعیت سرزمینی ایرانی با تابعیت نسبی خارجی

برای مثال، اگر کودکی از پدر و مادری ایتالیایی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده است، در خاک ایران به دنیا بیاید، طبق قانون ایتالیا که اصل تابعیت نسبی را به کار می‌گیرد، این کودک ایتالیایی خواهد بود. همچنین، بر اساس قانون ایران که اصل تابعیت سرزمینی را اعمال می‌کند، این کودک ایرانی محسوب می‌شود. بنابراین، این کودک دارای تابعیت دوگانه خواهد بود.

تعارض دو تابعیت نسبی

در برخی کشورها، تابعیت نسبی یا سیستم خون تنها از راه نسب پدری اعطا می‌شود (مانند بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران که نسب مادری را در نظر نمی‌گیرد)؛ اما در برخی دیگر، هر دو نسب پدری و مادری ملاک قرار می‌گیرند؛ به عنوان مثال، کودکی که از پدر ایرانی و مادر فرانسوی متولد شود، مطابق قانون ایران ایرانی و طبق قانون فرانسه، فرانسوی به حساب می‌آید و در نهایتاً، دارای تابعیت مضاعف می‌شود.

ب: تابعیت مضاعف پس از تولد

۱. تحصیل تابعیت جدید با حفظ تابعیت پیشین

در برخی از موارد، به دلیل هماهنگ نبودن قوانین تابعیت کشورها، افراد ضمن حفظ تابعیت اولی، می‌توانند تابعیت جدیدی نیز به دست بیاورند؛ به عنوان نمونه، آنهایی که تابعیت ایرانی دارند، بدون در نظر گرفتن شرایط ترک تابعیت (مانند انجام خدمت سربازی یا رسیدن به سن ۲۵ سال تمام) می‌توانند تابعیت کشور دیگری را نیز دریافت می‌کنند.

۲. ازدواج مختلط

گاهی در ازدواج میان زن و مردی با تابعیت‌های متفاوت، زن دارای دو تابعیت می‌شود. علت این امر، تعارض میان قاعده وحدت تابعیت زوجین (قانون دولت متبوع شوهر) و قاعده استقلال مطلق تابعیت زوجین (قانون دولت متبوع زن) است. برای نمونه، اگر زنی انگلیسی با مردی ایرانی ازدواج کند، بر اساس بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، ایرانی محسوب می‌شود (قاعده وحدت تابعیت زوجین)؛ اما طبق قانون انگلستان، تابعیت انگلیسی خود را حفظ می‌کند (قاعده استقلال تابعیت زوجین).

۳. تغییر تابعیت شوهر یا پدر

اگر شوهر یا پدر تابعیت خود را تغییر دهد، ممکن است این تغییر بر زن و فرزندان تأثیر گذاشته و موجب تابعیت مضاعف شود؛ برای مثال، اگر فردی خارجی تابعیت ایران را بپذیرد، زن و فرزندان کوچک او بر اساس ماده ۹۸۴ قانون مدنی، تبعه ایران محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، طبق قوانین کشور مبدأ، تابعیت پیشین آنها ممکن است حفظ شود، و در نتیجه تابعیت مضاعف ایجاد می‌شود.

۱-۲. تغییر تابعیت یکی از اعضای خانواده

گاهی تغییر تابعیت یکی از اعضای خانواده به‌ویژه از طریق تغییر تابعیت یکی از زوجین صورت می‌گیرد و گاهی تغییر تابعیت مربوط به پدر یا فرزند است. در مورد نخست، تعارض قوانین ملی در روابط زوجین پیش می‌آید، در حالی که در مورد دوم، تعارض قوانین ملی در روابط پدر و مادر و فرزندان به وجود می‌آید.

الف: تغییر تابعیت یکی از زوجین

۱- تغییر تابعیت شوهر: طبق بند ۲ ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر «کسی نمی‌تواند به‌طور خودسر از تابعیت خویش یا از حق تغییر تابعیت محروم شود» (انصاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۵) و طبق اصل چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر ایرانی هست و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی، سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید» (قانون اساسی، اصل ۴۱).

لذا، هر فرد ایرانی، خواه اینکه متأهل باشد یا خیر، این حق را دارد از تابعیت ایران خارج شود. همانطور که قبلاً اشاره شد، خروج از تابعیت ایران تأثیری بر دیگر افراد خانواده ندارد. بدین معنا که اگر فردی از اتباع ایران تابعیت خود را ترک کند، این تغییر شامل همسر او نمی‌شود، مگر آنکه درخواست‌کننده ترک تابعیت این مسئله را خواسته باشد و اجازه هیأت وزیران نیز شامل همسر او باشد. شرط اجازه هیأت وزیران به منظور جلوگیری از ترک تابعیت جمعی است که منجر به خطرات امنیتی، سیاسی و بین‌المللی برای کشور است (ارفع نیا: ۱۳۷۵، ۸۹/۱). بنابراین ممکن است شوهر به علت ترک تابعیت ایران تابعیت یک سرزمین دیگر را به دست بیاورد، اما همسر او همچنان تابعیت ایرانی خود را حفظ کند. بند ۳ ماده ۹۸۸ قانون مدنی که شروط ترک تابعیت اتباع ایرانی را معین می‌کند، می‌گوید: «... زوجه و فرزندان کسی که طبق این ماده ترک تابعیت می‌کند... از تبعیت ایرانی بیرون نمی‌گردند، اما در صورتی که اجازه هیأت وزراء شامل آنها باشد، این کار امکان‌پذیر است».

۲- تغییر تابعیت زن: اگرچه در قانون اساسی ایران بین زن و مرد در ترک تابعیت تفاوتی در ایران نیست (اصل چهل و یکم قانون اساسی)؛ با این حال، در مورد اینکه آیا زن ایرانی متأهل می‌تواند به‌صورت مستقل از همسر خود تابعیتش را ترک کند، ابهاماتی وجود دارد و این موضوع محل بحث و تردید است. از یک طرف، ماده ۹۸۸ قانون مدنی در باب اثر ترک تابعیت زن ایرانی که شوهر کرده است، سکوت اختیار کرده، اما در بحث تأثیر ترک تابعیت شوهر یا پدر در تابعیت زن و فرزندان او در این ماده توضیحاتی داده شده است. در طرف مقابل، تبصره ب ماده ۹۸۸ تنها در مورد تأثیر ترک تابعیت زن ایرانی بی‌همسر بر تابعیت فرزندان او بحث می‌کند (تبصره ماده ۹۸۸ قانون مدنی).

ممکن است چنین مطرح شود که زن ایرانی متأهل، حتی با رضایت همسر، قادر به ترک تابعیت خود به‌طور مستقل نیست؛ لذا، تغییر تابعیت زن ایرانی منهای از شوهر در نظام حقوقی ایران معنایی نخواهد داشت. اما با این تفسیر، این استدلال صحیح نمی‌باشد؛ زیرا زن خارجی که از طریق پذیرش تابعیت ایران توسط شوهرش، تابعیت ایرانی به دست آورده است، می‌تواند مستقلاً از شوهر ایرانی خود، تابعیت ایران را ترک کرده و تابعیت قبلی شوهر خود را قبول کند. (ماده ۹۸۴ قانون مدنی).

ب: تغییر تابعیت پدر یا فرزند

۱- تغییر تابعیت پدر: اگرچه پذیرش تابعیت ایران موجب می‌شود که تغییر تابعیت خارجی فرزند صغیر فرد پذیرفته‌شده شود؛ اما ترک تابعیت ایران، باعث تغییر تابعیت فرزند شخصی که درخواست ترک تابعیت ایران کرده نمی‌شود، مگر اینکه در تقاضانامه ترک تابعیت پدر، درخواست ترک تابعیت فرزند نیز وجود داشته باشد و اجازه هیأت وزیران شامل فرزند او شود (ماده ۹۹۰ قانون

مدنی). بنابراین، در صورتی که یکی از اتباع ایران تابعیت خود را ترک کند و اجازه هیئت وزرا شامل فرزند او نباشد، پدر و فرزند تابعیت‌های متفاوتی خواهند داشت؛ چراکه پدر از تابعیت ایران خارج می‌شود، اما فرزند او همچنان تابعیت ایرانی خود را حفظ می‌کند. این موضوع مطابق قسمت پایانی بند سوم ماده ۹۸۸ قانون مدنی است که تصریح می‌کند: «... اطفال فردی که بر مطابق این ترک تابعیت می‌نماید، خواه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌شوند مگر اینکه اجازه هیئت وزرا را دارا باشند.»

۲- تغییر تابعیت فرزند: همانگونه که قبلاً بیان شد، فرزند صغیر کسی که بر اساس قانون تابعیت ایران را به‌دست می‌آورد، به‌طور خودکار تابعیت ایران را از پدر دریافت می‌کند (ماده ۹۸۴ قانون مدنی). با این حال، قانون‌گذار ایرانی که به تأثیر به‌دست آوردن تابعیت ایران توسط پدر بر تابعیت فرزندان صغیر در همان ماده اشاره دارد، تصریح کرده است: «... فرزندان صغیر به مدت یک سال از تاریخی که به سن هجده سال تمام می‌رسند، می‌توانند با ارائه اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه، تابعیت کشور قبلی پدر یا شوهر را بپذیرند، اما به اظهاریه اولاد، چه پسر و چه دختر، باید تصدیق ذکر شده در ماده ۹۷۷ پیوست گردد» (ماده ۹۸۴ قانون مدنی).

بنابراین، اگر فرزند کسی که به تابعیت ایران پذیرفته شده از حق انتخاب تابعیت قبلی پدر استفاده کند و تابعیت ایران را قبول نکند، پدر و فرزند تابعیت‌های متفاوتی پیدا خواهند کرد؛ زیرا در این حالت برخلاف فرض قبلی (تغییر تابعیت پدر)، پدر تابعیت ایران را حفظ و فرزند او خارجی خواهد بود.

۱-۳. اعمال تابعیت سرزمینی

تولد کودک در خارج از کشور والدین، علاوه بر اینکه می‌تواند باعث ایجاد تابعیت مضاعف شود، منجر به تعارض قوانین ملی می‌شود. این تضاد زمانی به‌وجود می‌آید که قوانین کشور متبوع کودک با قوانین کشورهای متبوع والدین همخوانی نداشته باشد. در کشورهایی که قوانین ملی برای تنظیم روابط والدین و فرزندان حاکم است و تابعیت به‌عنوان معیار اصلی تعیین قوانین مرتبط با وضعیت شخصی افراد شناخته می‌شود، اگر فرزند در کشوری غیر از کشور والدین به دنیا بیاید و آن کشور از اصل تابعیت بر اساس سرزمین پیروی کند، کودک تابعیت کشور محل تولد را کسب خواهد کرد. در چنین شرایطی، تابعیت والدین (که ممکن است هر کدام تابعیت‌های متفاوتی داشته باشند) با تابعیت فرزند تفاوت خواهد داشت. به‌عنوان نمونه، اگر فرزندی از پدر و مادری که تابعیت کشور «الف» را دارند در کشور «ب» به دنیا بیاید و کشور محل تولد، اصل تابعیت سرزمینی را اعمال کند، در این صورت پدر، مادر و فرزند هر کدام تابعیت‌های مختلفی خواهند داشت. طبق بند چهارم ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده‌اند»، علاوه بر این که ممکن است کودک به‌طور همزمان تابعیت ایران و تابعیت کشور والدین خود را داشته باشد (تابعیت دوگانه)، ضروری است که تعیین شود در ایران یا سایر کشورهایی که قانون ملی را بر وضعیت شخصی افراد حاکم می‌دانند، کدام یک از قوانین بر مسائل حقوقی و احوال شخصی کودک اجرا خواهد شد. همچنین در روابط میان کودک و والدین، تعارض قوانین ملی پیش می‌آید و باید مشخص شود که کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی دارد و کدام قانون باید به‌عنوان قانون حاکم اعمال شود.

۱-۴. ازدواج مختلط

ازدواج مختلط که به ازدواج بین زن و مرد با تابعیت‌های مختلف اطلاق می‌شود (احمد عبدالله، ۲۰۰۰، ص. ۶۵)، یکی از عوامل بروز تعارض قوانین ملی است. از یک سو، ممکن است زن تابعیت مضاعف به‌دست آورد، در حالی که ممکن است کشور متبوع زن تابعیت اصلی او را حفظ کند. طبق بند ششم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، زن به‌واسطه عقد ازدواج تابعیت ایرانی کسب می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به این‌که ازدواج یکی از مسائل احوال شخصی محسوب می‌شود و در حقوق ایران ازدواج هر فرد تابع قوانین دولت متبوع اوست، ممکن است تعارضی میان قوانین دولت‌های متبوع زن و مرد به‌وجود آید. در صورتی که اختلاف تابعیت زن و مرد پس از ازدواج باقی بماند و تابعیت شوهر به زن منتقل نشود، این تعارض در قوانین ملی می‌تواند در خصوص آثار ازدواج نیز به چالش تبدیل شود.

در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، ازدواج مختلط را می‌توان به سه شکل مختلف بررسی کرد: ازدواج زن و مرد خارجی با تابعیت‌های متفاوت، ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، و ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی. در حالت اول، مسأله تابعیت در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران مطرح نمی‌شود، زیرا هر یک از طرفین ازدواج تابع قوانین کشور خود هستند و مسأله تابعیت به‌طور جداگانه بررسی می‌شود، زیرا بر اساس اصل حاکمیت دولت‌ها، هر دولت حق دارد اتباع خود را تعیین کند. اما در حالت‌های دوم و سوم، مسأله تابعیت به‌طور جدی مطرح می‌شود و در این موارد تعارض قوانین، به‌ویژه تعیین قانون حاکم بر شرایط، موانع و آثار ازدواج، موضوع بحث قرار می‌گیرد:

۱- ازدواج زن و مرد خارجی: اگر مسأله ازدواج زن و مرد خارجی با تابعیت‌های مختلف در ایران مطرح شود، در مرحله ایجاد حق (یعنی تعیین شرایط و موانع ازدواج)، تعارض بین قوانین ملی زن و مرد به‌وجود خواهد آمد. در این مورد مشخص، باید معلوم شود که کدام یک از قوانین ملی باید به‌عنوان قانون حاکم بر این موضوع در نظر گرفته شود. پس از عقد صحیح ازدواج، اگر زن و شوهر همچنان تابعیت‌های مختلف داشته باشند و ازدواج تغییر تابعیت زن را به‌دنبال نداشته باشد، باید بررسی کرد که آیا همان قانونی که در مرحله ایجاد حق اعمال شده است، می‌تواند در تعیین آثار حقوقی و تکالیف زوجین نیز به‌کار گرفته شود یا خیر؟

۲- ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی: در صورتی که تعارض میان قانون ایران و قانون کشور خارجی به‌وجود آید، سوالات زیر مطرح می‌شود: ابتدا، تعیین شرایط و موانع ازدواج باید بر اساس کدام قانون صورت گیرد؟ آیا قانون ایران حاکم است یا قانون کشور خارجی؟ دوم، اگر زن ایرانی با مردی خارجی ازدواج کند که بر اساس قوانین کشور او، تابعیت شوهر به‌واسطه عقد ازدواج به زن منتقل نشود (بر اساس ماده ۹۸۷ قانون مدنی)، در این شرایط برای تعیین آثار حقوقی ازدواج (یعنی مرحله تعیین تأثیر حق در سطح بین‌المللی)، کدام قانون ملی باید اجرا شود؟ مرحله تأثیر بین‌المللی حق به معنای تعیین قانونی است که بر حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر حاکم خواهد بود.

۳- ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی: در این حالت، مطابق بند ششم ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «هر زن تبعه خارجی که با مردی ایرانی ازدواج کند». از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، در مرحله ایجاد حق، تعارض میان قوانین ملی رخ خواهد داد؛ زیرا پس از تحقق صحیح عقد ازدواج، زوجین از دیدگاه حقوق ایران تابعیت ایرانی خواهند داشت و بر اساس ماده ۶ قانون مدنی، روابط شخصی و مالی میان آنها تحت قانون ایران قرار می‌گیرد. در این خصوص باید توجه داشت که اگر ازدواج میان یک زن خارجی شیعه و یک مرد ایرانی شیعه صورت گیرد، مقررات مربوط به روابط شخصی و مالی زوجین مطابق قانون مدنی ایران (از ماده ۱۱۰۲ به بعد) تنظیم می‌شود؛ در صورتی که زن خارجی غیرمسلمان با مرد ایرانی غیرمسلمان ازدواج کند، یا زن خارجی

مسلمان غیرشیعه با مرد ایرانی مسلمان غیرشیعه پیمان زناشویی ببندد، روابط میان آنها بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مرتبط با احوال شخصیه مسلمانان اهل سنت)، اصل سیزدهم قانون اساسی (مختص احوال شخصیه اقلیت‌های دینی رسمی) و همچنین قانون مصوب سال ۱۳۱۲ در خصوص رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه تعیین خواهد شد.

در نهایت، چنانچه زن پس از طلاق به تابعیت سابق خود بازگردد، در خصوص آثار طلاق، از جمله عده و وضعیت حقوقی زن در دوران عده، ممکن است تعارضی میان قوانین ملی مرد ایرانی و زن مطلقه خارجی ایجاد شود.

۲. راه‌حل تعارض چند قانون ملی

بر اساس اصل کلی مطرح‌شده در مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایران، مسائل مربوط به احوال شخصیه افراد تحت تأثیر قوانین کشور متبوع آنها قرار دارد (الماسی: ۱۳۷۹، ۱۵۲). ماده ۶ قانون مدنی تصریح می‌کند: «قوانین مربوط به احوال شخصیه، از جمله نکاح و طلاق، اهلیت اشخاص و ارث، در مورد تمام اتباع ایران، حتی اگر در خارج از کشور مقیم باشند، اجرا خواهد شد». همچنین، ماده ۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اتباع خارجی مقیم در ایران از نظر مسائل مربوط به احوال شخصیه، اهلیت خود و همچنین حقوق ارثیه، طبق قوانین و مقررات کشور متبوع خود و در چارچوب معاهدات، ملزم به رعایت قوانین کشور خود خواهند بود». این دو ماده تنها زمانی قابل اعمال هستند که طرفین در روابط شخصی و خانوادگی، تابعیت یکسانی داشته باشند.

اگر طرفین رابطه ایرانی باشند، طبق ماده ۶ قانون مدنی، قانون ایران بر آنها حاکم خواهد بود و در صورتی که طرفین خارجی باشند، قوانین کشور متبوع آنها به مرحله اجرا در می‌آید. با این حال، همان‌طور که اشاره شد، در برخی موارد مرتبط با روابط شخصی و خانوادگی، ممکن است طرفین تابعیت‌های مختلفی داشته باشند. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که اگر تابعیت زن و مرد در زمان ایجاد حق یا زمان اعمال آثار آن، یا حتی تابعیت پدر و فرزند متفاوت باشد و دعوی در دادگاه ایران اقامه شود، دادگاه باید بر اساس چه اصولی تعارض قوانین را بررسی و حل‌وفصل کند.

در این بخش، ابتدا مسائل مربوط به ازدواج و طلاق، چه در مرحله ایجاد حق و چه در مرحله اعمال آثار بین‌المللی آن، از منظر حقوقی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. ازدواج و آثار آن

در حقوق بین‌الملل خصوصی، برخی کشورها قانون حاکم بر احوال شخصیه را بر اساس تابعیت افراد تعیین می‌کنند و آن را نسبت به اقامتگاه ارجح می‌دانند. در این چارچوب، تابعیت نقش اساسی در امور مربوط به ازدواج ایفا می‌کند؛ زیرا ازدواج شهروندان یک کشور، حتی اگر در خارج از آن سکونت داشته باشند، تابع قوانین ملی آنهاست (مطابق ماده ۶ قانون مدنی). همچنین، ازدواج می‌تواند به تغییر تابعیت فرد منجر شود، به طوری که ممکن است تابعیت شخص به دلیل ازدواج دچار تحول شود (براساس مواد ۹۸۶ و ۹۸۷ قانون مدنی).

تأثیر تابعیت بر ازدواج بیشتر به مرحله تعیین حقوق و بررسی شرایط یا موانع قانونی ازدواج مربوط است، در حالی که تأثیر ازدواج بر تابعیت به جنبه‌های بین‌المللی حقوق و تعهدات ناشی از ازدواج میان زوجین مرتبط می‌شود.

۲-۱-۱. قانون حاکم بر شرایط و موانع ازدواج

شرایط و موانع ازدواج به دو بخش تقسیم می‌شود: شرایط ماهوی و شرایط شکلی. شرایط ماهوی شامل عواملی مانند سن قانونی برای ازدواج، رضایت طرفین و موانع ازدواج مانند قرابت یا سایر موانع قانونی است. از طرف دیگر، شرایط شکلی به مسائل مربوط به نحوه و ترتیب ازدواج اشاره دارد که طبق ماده ۹۶۹ قانون مدنی، تابع قوانین محل تنظیم سند ازدواج و محل وقوع عقد است. به عنوان مثال، اینکه ازدواج باید با سند رسمی ثبت شود یا نه، جزو شرایط شکلی عقد ازدواج محسوب می‌شود.

اگر این سوال مطرح شود که آیا یک شرط جزو شرایط ماهوی است یا شکلی، دادگاه برای تشخیص و تعیین این موضوع باید به قوانین کشور متبوع خود مراجعه کند. زیرا بسته به اینکه موضوع به عنوان شرط ماهوی یا شکلی در نظر گرفته شود، قانون حاکم بر آن متفاوت خواهد بود. اگر موضوع به عنوان شرایط شکلی در نظر گرفته شود، قانون محل وقوع عقد ازدواج حاکم خواهد بود، اما اگر موضوع مربوط به شرایط ماهوی باشد، قانون کشور متبوع طرفین عقد ازدواج اعمال می‌شود (الماسیریال ۱۳۷۹، صص ۷۹-۸۰).

در نظام‌های حقوقی بین‌الملل خصوصی سوریه، مصر، الجزایر و کویت، در خصوص شرایط اساسی صحت ازدواج، از جمله اهلیت، رضایت زوجین، و نبود موانع نکاح، اگر زن و مرد تابعیت‌های متفاوتی داشته باشند، قانون ملی هر یک از طرفین بر شرایط ازدواج آنها حاکم خواهد بود (متولی: ۱۳۷۸، ص ۱۶۱، به نقل از احمد عبدالله، ۲۰۰۰م).

اما در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، در مورد قانون حاکم بر شرایط و موانع ازدواج زن و مردی که تابع دولت‌های مختلف هستند، سکوت شده است. این امر این سؤال را مطرح می‌کند که در چنین مواردی کدام قانون باید معیار باشد؟ ممکن است استدلال شود که با توجه به تأثیر ازدواج بر تابعیت و ماده ۹۶۳ قانون مدنی ایران که روابط شخصی و مالی زوجین با تابعیت‌های متفاوت را تابع قانون دولت متبوع مرد می‌داند، شرایط و موانع ازدواج نیز باید بر اساس قانون مرد سنجیده شود. مطابق این دیدگاه، اگر ازدواج مطابق قانون ملی مرد صحیح باشد، باید در همه‌جا معتبر تلقی شود، حتی اگر قانون ملی زن آن را نپذیرد.

این استدلال به دلیل نادیده گرفتن تمایز میان مرحله شکل‌گیری حق (رابطه زوجیت) و مرحله اثرگذاری بین‌المللی آن، قابل قبول نیست. ابتدا باید گفت که تأثیر ازدواج بر تابعیت به تحقق صحیح عقد ازدواج بستگی دارد، در حالی که شرایط و موانع ازدواج به امکان وقوع صحیح آن اشاره دارد. علاوه بر این، ماده ۹۶۳ قانون مدنی تنها به روابط زوجین پس از عقد ازدواج پرداخته است و شرایط وقوع ازدواج را در بر نمی‌گیرد. همان‌طور که مقررات مربوط به شرایط و موانع صحت نکاح از مقررات مربوط به آثار آن متمایز هستند، قواعد بین‌المللی نیز باید این تفکیک را رعایت کنند. عدم توجه به این تمایز ممکن است منجر به پذیرش ازدواج زن ایرانی مسلمان با مرد غیرمسلمان خارجی شود که طبق مواد ۶ و ۱۰۵۹ قانون مدنی، غیرقانونی و باطل است (متولی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵، به نقل از احمد عبدالله، ۲۰۰۰م).

بنابراین، در مرحله ایجاد رابطه زوجیت، نباید قانون ملی هیچ‌یک از طرفین ازدواج بر دیگری ترجیح داده شود. بهتر است هر یک از طرفین تابع قانون ملی خود باشند (الماسی، ۱۷۹، ص ۱۷۴؛ خلعتبری، ۱۳۱۶، ص ۱۶۷)

۲-۱-۲. قانون حاکم بر آثار ازدواج

ازدواج نهادی است که تأثیرات آن محدود به زوجین نبوده و به فرزندان نیز تسری پیدا می‌کند. از این رو، قانونگذار با هدف حفظ ثبات و دوام خانواده، علاوه بر تنظیم روابط زوجین، حقوق و تکالیف آنان را در قبال فرزندان نیز مدنظر قرار داده است. بر اساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است. همچنین، مطابق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی،

همین‌که نکاح به‌طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود.

آثار ازدواج به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. **آثار غیرمالی:** این آثار شامل تکالیفی چون حسن معاشرت، معاضدت در استحکام خانواده، تربیت فرزندان، ریاست شوهر بر خانواده، حق شوهر در تعیین محل سکونت، و ممنوعیت زن از اشتغال به حرفه‌ای که با مصالح خانوادگی یا حیثیت او ناسازگار باشد، می‌گردد.
۲. **آثار مالی:** این آثار شامل مواردی چون مهر، نفقه و جهیزیه می‌شود. جهیزیه که در عرف ایران توسط خانواده زن برای زندگی مشترک تهیه می‌شود، جزء دارایی زن محسوب شده و مطابق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، زن می‌تواند به صورت مستقل در دارایی خود، از جمله جهیزیه، تصرف نماید.

۱-۲-۱-۲. قانون حاکم در صورت اختلاف تابعیت زوجین

اگر زن و شوهر تابعیت‌های متفاوتی داشته باشند، این پرسش مطرح می‌شود که در خصوص آثار ازدواج، کدام قانون باید اعمال شود: قانون ملی هر یک از زوجین یا قانون ملی یکی از آن‌ها؟ برای پاسخ به این سؤال، باید بین دو مرحله تفکیک قائل شد:

- **مرحله ایجاد حق (رابطه زوجیت):** در این مرحله، اعمال قانون ملی هر یک از زوجین امکان‌پذیر است؛ زیرا در صورت تعارض قوانین و عدم امکان جمع آن‌ها، رابطه زوجیت شکل نخواهد گرفت.
- **مرحله تأثیر بین‌المللی حق (آثار رابطه زوجیت):** پس از ایجاد صحیح رابطه زوجیت، خانواده به‌عنوان یک واحد شکل می‌گیرد. در این مرحله، نمی‌توان قوانین متعارض را بر یک خانواده اعمال کرد؛ برای مثال، ممکن است قانون ملی شوهر حق نفقه برای زن را به رسمیت بشناسد؛ اما قانون ملی زن چنین اثری را قائل نباشد، یا قانون ملی شوهر حق ریاست بر خانواده را معتبر بداند، در حالی که قانون ملی زن چنین حقی را نپذیرفته باشد. بنابراین، در این مرحله تنها می‌توان یک قانون را حاکم دانست.

در نهایت، قانون حاکم بر روابط خانواده، ممکن است قانون اقامتگاه یا قانون ملی یکی از طرفین باشد. در حقوق بین‌الملل خصوصی برخی کشورها، از جمله فرانسه و سوئیس، اگر زن و شوهر تابعیت‌های متفاوتی داشته باشند، آثار ازدواج آن‌ها بر اساس قانون اقامتگاه مشترک تعیین می‌شود؛ اما در صورتی که زوجین اقامتگاه‌های متفاوتی داشته باشند و جدا از یکدیگر زندگی کنند، قانون کشوری که دادگاه در آن مستقر است اجرا خواهد شد. (الماسی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵).

در مقابل، در بعضی کشورهای دیگر نظیر مصر، سوریه و عراق (مطابق ماده ۱۳ قانون مدنی مصر، ماده ۱۴ قانون مدنی سوریه و ماده ۹ قانون مدنی عراق)، در صورت اختلاف تابعیت، قانون ملی شوهر به‌عنوان قانون حاکم پذیرفته شده است (استانبولی، ۱۹۸۹م، ص ۳۲۴؛ احمدعبدالله، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۹۳).

۲-۲. قانون حاکم بر طلاق و آثار آن در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران

اول: قانون حاکم بر روابط شخصی و مالی زوجین

در حقوق بین الملل خصوصی ایران، مانند نظام های حقوقی مصر، سوریه و عراق، قانونی که تابعیت شوهر را مبنا قرار می دهد، نسبت به قانون تابعیت زن اولویت دارد. این امر با توجه به جایگاه شوهر به عنوان سرپرست خانواده تعیین شده است. ماده ۹۶۳ قانون مدنی ایران به صراحت مقرر می دارد: «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود». این حکم برای زوجین خارجی با تابعیت های مختلف و همچنین برای مواردی که یکی از زوجین ایرانی باشد، قابل اعمال است (الماسی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵).

۲-۲. طلاق و آثار آن

مطابق با روش بررسی موضوع ازدواج، در زمینه طلاق نیز لازم است علل و دلایل طلاق از آثار آن تفکیک شود.

۲-۲-۱. قانون قابل اعمال بر علل طلاق

طلاق به عنوان یکی از راه های پایان بخشیدن به عقد نکاح، نیازمند بررسی دو موضوع اساسی است:

- احراز حق طلاق بر اساس قانون دولت متبوع زوجین

نخست باید روشن شود که در قوانین کشور متبوع هر یک از طرفین، طلاق به عنوان یک حق قانونی شناخته شده است. در برخی کشورها ممکن است طلاق به رسمیت شناخته نشده باشد و پایان زندگی مشترک تنها از طریق فوت یکی از زوجین ممکن باشد.

- تفکیک مسائل ماهوی و شکلی در قانون قابل اعمال

قانون خارجی صرفاً بر جنبه های ماهوی طلاق، مانند دلایل و موجبات آن، اعمال می شود؛ اما در مورد مسائل شکلی و تشریفاتی، از جمله نحوه رسیدگی به دعوی طلاق، باید قانون کشوری که دادگاه در آن مستقر است، اجرا گردد؛ برای مثال، اگر زن و شوهری خارجی با تابعیت های متفاوت در دادگاه ایران درخواست طلاق دهند، رسیدگی به پرونده بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی ایران انجام می شود، حتی اگر قوانین کشور متبوع آنها تشریفات دیگری را مقرر کرده باشد. این امر به این دلیل است که در یک کشور نمی توان دو نظام آیین دادرسی (یکی برای اتباع داخلی و دیگری برای اتباع خارجی) برقرار کرد.

مسئولیت تشخیص اینکه موضوعی مرتبط با مسائل ماهوی است یا شکلی، بر عهده دادگاهی است که به پرونده رسیدگی می کند. این تشخیص بر اساس قانون کشوری انجام می شود که دادگاه در آن مستقر است. به عنوان نمونه، اگر در قانون کشور محل دادگاه امکان ارجاع دعوی به داوری پیش بینی شده باشد، این موضوع به عنوان بخشی از آیین دادرسی تلقی شده و در چارچوب قانون مقر دادگاه قرار می گیرد. بنابراین، چنانچه یکی از زوجین خارجی تقاضای ارجاع پرونده به داوری را مطرح کند، دادگاه مکلف است این درخواست را بپذیرد؛ زیرا ارجاع به داوری یک موضوع شکلی مرتبط با نحوه رسیدگی به پرونده است و به خود ماهیت طلاق ارتباطی ندارد. (الماسی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵).

۲-۲-۱-۱. قانون حاکم بر طلاق در صورت تفاوت تابعیت زوجین

در صورتی که زوجین تابعیت های متفاوت داشته باشند، برای تعیین قانون معتبر در بررسی دلایل طلاق، رویه های متفاوتی در حقوق کشورها مشاهده می شود: پیش از اصلاحات قانونی در سال ۱۹۷۵، رویه قضایی فرانسه بر این مبنا استوار بود که قانون حاکم بر طلاق زوجینی با تابعیت های مختلف، قانون اقامتگاه مشترک آنها است. اگر زوجین اقامتگاه مشترک نداشتند، قانون فرانسه به عنوان قانون مقر دادگاه بر طلاق آنها اعمال می شد، بدون توجه به ملیت یا محل اقامت طرفین (همان، ص ۱۷۷).

در ایران و برخی کشورهای اسلامی، قانون تابعیت شوهر به‌عنوان مبنای بررسی روابط زوجین و از جمله دلایل طلاق لحاظ می‌شود. این دیدگاه با توجه به موقعیت شوهر در ساختار خانواده و مسئولیت‌های وی تعریف شده است.

در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، ماده ۹۶۳ قانون مدنی که به بررسی آثار ازدواج و روابط شخصی و مالی زوجین می‌پردازد، در مورد طلاق زوجین با تابعیت‌های متفاوت نیز قابل اجرا است. از این رو، راهکار حقوق ایران در این زمینه مشابه حقوق مصر و سوریه می‌باشد، با این تفاوت که در حقوق ایران تنها قانون حاکم بر آثار ازدواج مشخص شده و قانونگذار در خصوص طلاق سکوت کرده است.

در این رابطه، دو استدلال قابل ذکر است:

۱. واژه «روابط شخصی» در ماده ۹۶۳ قانون مدنی به، به طور موسع تفسیر شود تا شامل طلاق نیز، باشد. در نتیجه، مطابق این ماده، قانون حاکم بر طلاق نیز، تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. در مقابل، برخی از حقوقدانان، با رد این شمولیت، طلاق را در زمره روابط شخصی زوجین نمی‌دانند بلکه آن را از اسباب انحلال رابطه زوجیت تلقی می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۵۷۸؛ الماسی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸)؛ در نتیجه، به این ماده نمی‌توان استدلال کرد.

۲. با استناد به بند ۱ ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه مصوب ۱۳۱۲، قانون حاکم بر طلاق، باید تابع قانون دولت متبوع شوهر باشد. در این بند از ماده واحده مذکور آمده است: «در مسایل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است». هرچند این ماده به به غیرشیعیان اختصاص دارد، اما با قیاس اولویت یا تنقیح مناط از این ماده، در مورد احوال شخصیه شیعیان نیز، جاری خواهد بود که طلاق را نیز، در بر می‌گیرد.

۲-۲-۲. قانون حاکم بر آثار طلاق

آثاری که پس از طلاق در روابط زن و شوهر مطرح می‌شود، به مسائل مختلفی مانند عده، رجوع در ایام عده، نفقه زوجه مطلقه و استفاده زن از نام خانوادگی شوهر تعلق دارد.

عده یکی از آثار طلاق است که در تمامی نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی وجود دارد و حتی در برخی کشورهای غیر اسلامی مانند فرانسه نیز مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. طبق تعریف ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی ایران: «عده مدتی است که زن پس از انحلال عقد نکاح به واسطه طلاق نمی‌تواند به ازدواج جدیدی اقدام کند.»

رجوع در ایام عده نیز یکی دیگر از آثار طلاق است که مختص فقه اسلامی است و در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای غیر اسلامی وجود ندارد. این موضوع در مواد ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ قانون مدنی ایران به طور دقیق تنظیم شده است.

یکی دیگر از آثار طلاق، نفقه زوجه مطلقه است که در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده بیان می‌کند: «نفقه مطلقه رجعیه در مدت عده بر عهده شوهر است، مگر آنکه طلاق در حال نشوز رخ داده باشد. در صورتی که طلاق بائن باشد یا ناشی از فسخ نکاح صورت گیرد، زن حق دریافت نفقه نخواهد داشت، مگر آنکه از شوهر خود باردار باشد، که در این صورت تا زمان وضع حمل مستحق دریافت نفقه خواهد بود.»

یکی از دیگر آثار طلاق، بهره‌مندی زن از نام خانوادگی شوهر است که در ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ به آن اشاره شده است. بر اساس این ماده: «زوجه می‌تواند با رضایت همسر، تا زمانی که در قید زوجیت است، از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند. اما پس از وقوع طلاق، ادامه استفاده از نام خانوادگی منوط به اجازه شوهر خواهد بود.»

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مسائل مرتبط با روابط زن و شوهر پس از طلاق تحت تأثیر کدام قانون قرار خواهد گرفت؟ آیا قانونی که بر خود طلاق حاکم است، برای آثار آن نیز قابل اعمال خواهد بود؟ به‌عنوان مثال، با توجه به اینکه نفقه یکی از آثار مالی نکاح به‌شمار می‌آید و در صورت اختلاف تابعیت زوجین، طبق ماده ۹۶۳ قانون مدنی ایران، قانون کشور متبوع شوهر حاکم است، آیا نفقه زوجه مطلقه که از آثار طلاق محسوب می‌شود، تابع قانون کشور متبوع شوهر خواهد بود؟ در حقوق مصر، قانونی که بر آثار طلاق تأثیرگذار است، همان قانونی است که بر طلاق حاکم است. با این حال، باید اشاره کرد که قانون حاکم بر آثار طلاق در روابط پدر و مادر و فرزندان امکان دارد با قانونی که حاکم بر آثار طلاق در روابط زن و شوهر هست، متفاوت باشد (احمد عبدالله، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۱۷).

در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران نیز، همان‌طور که در مورد علل و موجبات طلاق، قانون دولت متبوع زوجین اعمال می‌شود، به‌طور مشابه، برای آثار طلاق نیز اصولاً همان قانون حاکم خواهد بود. به‌عنوان مثال، در زمینه نفقه زوجه مطلقه، چون نفقه یکی از آثار مالی رابطه زوجیت است، در صورت اختلاف تابعیت زوجین، طبق ماده ۹۶۳ قانون مدنی ایران، همان‌طور که در زمان نکاح قانون دولت متبوع شوهر حاکم است، پس از انحلال نکاح، روابط زن و شوهر همچنان تابع همان قانون خواهد بود. با این حال، همان‌طور که در حقوق مصر مشاهده می‌شود، در روابط پدر و مادر با فرزندان پس از طلاق، ممکن است قانونی متفاوت از قانون حاکم بر روابط زن و شوهر اعمال گردد. در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و آثار طلاق در ارتباط با فرزندان و تکالیف پدر و مادر، همچون نگهداری و نفقه فرزندان، ممکن است تابع قانونی متفاوت از قانون حاکم بر آثار طلاق در روابط زن و شوهر باشد.

نتیجه‌گیری

احوال شخصیه که یکی از مباحث مهم در حقوق بین‌الملل خصوصی است، تحت تأثیر تابعیت اشخاص قرار دارد و قوانین تابعیت کشورهای مختلف در مورد نحوه به دست آوردن یا از دست دادن تابعیت، احکام متفاوتی دارند. این موضوع، باعث ایجاد تعارض چند قانون ملی در خصوص مسائل احوال شخصیه، به‌ویژه ازدواج و طلاق می‌شود.

تأثیر تابعیت در ازدواج و همچنین تأثیر ازدواج در تابعیت، مخصوصاً در روابط بین‌المللی، در کشورهایی مانند ایران که احوال شخصیه تابع قانون دولت متبوع شخص است، مطرح است. در این سیستم‌ها، برای تعیین شرایط و موانع ازدواج باید ابتدا مشخص شود که هر فرد تابع چه دولتی است. ازدواج مختلط نیز ممکن است تابع قوانین مختلفی باشد که به تابعیت افراد بستگی دارد و در برخی موارد باعث تغییر تابعیت زن می‌شود.

در نهایت، تعارض قوانین ملی در مورد ازدواج و طلاق ناشی از تعارض قوانین تابعیت کشورهاست. برخی کشورها قاعده اعمال قانون اقامتگاه را پذیرفته‌اند، در حالی که کشورهای دیگر قاعده اعمال قانون ملی یا قانون دولت متبوع را برگزیده‌اند. ایران از جمله کشورهایی است که قانون ملی یا قانون دولت متبوع را در مسائل تعارض قوانین اعمال می‌کند.

برای حل دقیق مسائل تعارض قوانین در خصوص ازدواج و طلاق، ضروری است که میان دو مرحله تفکیک قائل شویم: مرحله ایجاد حق (که به معنای شکل‌گیری رابطه زوجیت است) و مرحله تأثیر بین‌المللی حق (که مربوط به آثار ازدواج و حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر و آثار طلاق می‌باشد). این تفکیک اهمیت دارد، زیرا راه‌حل‌های تعارض قوانین در این دو مرحله ممکن است متفاوت باشد. به عبارت دیگر، قانون حاکم بر مرحله ایجاد حق و علل و موجبات طلاق امکان دارد با قانون حاکم بر مرحله تأثیر بین‌المللی حق که به حقوق و تکالیف زوجین و آثار طلاق مربوط می‌شود، متفاوت باشد.

فهرست منابع

۱. احمد عبدالله، عزالدین، (۲۰۰۰م)، القانون الدولي الخاص، دار السلام للنشر، قاهره.
۲. ادیب استانبولی، (۱۹۸۹م)، المرشد فی قانون الاحوال الشخصیه، بی‌نا، دمشق.
۳. ارفع‌نیا، بهشید، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپخانه آینده، تهران.
۴. افشار، حسن، (۱۳۴۶)، کلیات حقوق تطبیقی، مجموعه حقوق تطبیقی شماره ۱، بی‌نا، تهران.
۵. الماسی، نجادعلی، (۱۳۷۹)، تعارض قوانین، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۶. _____ (۱۳۵۳) بحثی پیرامون تعارض تابعیت، مجله قانون و کلا، شماره ۱۲۵.
۷. _____ (۱۳۶۹)، تعیین تابعیت و اقامتگاه از دیدگاه تعارض قوانین، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲.
۸. انصاری، باقر، (۱۴۰۱)، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات خرسندی، تهران.
۹. خلعتبری، ارسلان، (۱۳۱۶)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپخانه روشنایی، تهران.
۱۰. عامری، جواد، (۱۳۶۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، آگاه، تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، میزان، تهران.
۱۲. متولی، سید محمد، (۱۳۷۸)، احوال شخصیه بیگانگان در ایران، انتشارات ساز و کار، تهران.

۱۳. مرعشی، عطاءالدین، (۱۳۱۶)، تابعیت در ایران، چاپخانه مجلس، تهران.
۱۴. معظمی، عبدالله، (۱۳۳۲)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپخانه نقش جهان، تهران.
۱۵. نصیری، محمد، (۱۳۷۲)، حقوق بین الملل خصوصی، آگاه، تهران.
۱۶. نصیری، مرتضی، (۱۳۷۰)، حقوق چند ملیتی، تهران، نشر دانش امروز.
۱۷. هدایتی، محمدعلی، (۱۳۴۵)، مجموعه قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، تابان، تهران